

ایران و جمهوری آذربایجان: واگرایی در بستر تعارض منافع

سید - وری نژاد



انتشارات دولتمرد

شابک: ۹۷۸۶۲۲۹۵۴۱۵۴۸	شماره کتابشناسی ملی: ۵۵۸۹۳۸۶
عنوان و نام پدیدآور: ایران و جمهوری آذربایجان: واگرایی در بستر تعارض منافع/سعید خاوری نژاد؛ ویراستار: مونا شکوری.	موضوع: ایران -- روابط خارجی -- آذربایجان (جمهوری)
مشخصات نشر: رشت: انتشارات دولتمرد، ۱۳۹۷.	موضوع: Iran -- Foreign relations -- Azerbaijan (Republic)
مشخصات ظاهری: ۹۷ ص: مصور (رنگی)، جدول، نمودار (رنگی)؛ وزیری	موضوع: آذربایجان (جمهوری) -- روابط خارجی -- ایران
یادداشت: کتابنامه.	موضوع: Azerbaijan (Republic) -- Foreign relations -- Iran
رده بنیان دیویی: ۳۲۷/۵۵۰۴۷۵۴	رده بندی کنگره: DSR۱۶۵۶/۴۲ ۱۳۹۷
وضعیت فهرست نویسی: سرشناسه	ساختار: خاوری نژاد، سعید، ۱۳۶۲ -

ایران و جمهوری آذربایجان: واگرایی در بستر تعارض منافع

ویراستار: سعید خاوری نژاد

ویراستار: مونا شکوری

ناشر: دولتمرد

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

توبت چاپ: اول، ۱۳۹۷

قیمت: ۱۵۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۹۵۴۱۵-۴-۸

وبسایت: www.dolatmardpub.ir

پست الکترونیک: info@dolatmardpub.ir

فهرست مطالب

۱	ایران و آذربایجان؛ واکاوی مسائل موجود
۱	مقدمه
۶	ساختار کتاب
۷	تبیین اهمیت روابط ایران و آذربایجان
۹	محققان چه می‌گیرند؟
۹	پژوهش‌های داخلی
۱۲	پژوهش‌های خارجی
۱۶	فرضیه و متغیرهای این تحقیق
۱۸	مفاهیم کلیدی
۱۸	همگرایی
۲۱	تعارض منافع
۲۲	واگرایی
۲۳	تعارض و همکاری میان ایران و آذربایجان
۲۳	ابعاد رابطه ایران و آذربایجان: تعیین چارچوب
۲۸	فرصت‌های رابطه ایران و آذربایجان
۲۹	فرصت‌های سیاسی
۳۴	فرصت‌های اقتصادی
۳۸	چالش‌های رابطه ایران و آذربایجان
۳۸	چالش‌های رابطه متقابل
۳۸	چالش‌های سیاسی

۳۹	چالش‌های امنیتی
۴۵	چالش‌های اقتصادی
۴۶	چالش‌های فرهنگی
۵۰	چالش‌های محیط زیستی
۵۳	چالش‌های مرتبط با عوامل خارجی
۵۳	چالش‌های منطقه ای
۵۴	چالش‌های فرامنطقه ای
۵۶	لابی یهودی آذربایجان
۵۸	روابط سیاسی آذربایجان و اسرائیل
۶۱	دست نظامی - امنیتی آذربایجان و اسرائیل
۶۴	دست دتاری آذربایجان و اسرائیل
۶۷	پیامدهای چالش در روابط ایران و آذربایجان
۶۷	پیامدهای سیاسی
۶۸	پیامدهای اقتصادی
۷۳	پیامدهای امنیتی

۷۷ جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

۸۵ مطالعه بیشتر

۸۹ ارجاعات

۸۹ فارسی

۹۴ انگلیسی

ایران و آذربایجان؛ واکاوی مسائل موجود

مقدمه

پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، در آغاز دهه ۱۹۹۰ شماری از جمهوری‌های تازه‌تأسیس شکل گرفتند. هر یک از این کشورهای نوپا به‌منظور پیگیری منافع ملی، تأمین امنیت و تحقق اهداف عریف‌انده برای خود، مسیرهایی را دنبال کردند که گاه در تعارض با رویه سابق حاکم بر منطقه خزر بود. یکی از این کشورها، جمهوری آذربایجان در شمال ایران و ساحل غربی خزر است که پس از استقلال، در صدد شکستن انزوای سیاسی برآمد و به‌تدریج با وارد شدن به جامعه جهانی، دیدگاه خود را در رابطه با عواملی نظیر منابع انرژی و ارزش ژئوپلیتیکی خود تعریف کرد.

موضوعاتی از قبیل اختلافات مرزی حل‌نشده در خزر جنوبی با محوریت آذربایجان، موارد تنش و رسیدن به آستانه برخورد نظامی محدود میان این کشور و همسایگانش ترکمنستان و ایران؛ سیاست‌های یک‌جانبه در بستن قراردادهای تلافی، بخش نفت و گاز در خزر به موازات نامشخص بودن وضع رژیم حقوقی و مناطق مورد اختلاف؛ بحران قره‌باغ و تنش بین آذربایجان و ارمنستان و سوگیری ضمنی ایران و روسیه به نفع ارمنستان؛ همکاری فزاینده نظامی و امنیتی با نیروهای نظامی خارج از منطقه خزر به‌ویژه یورو-آتلانتیک شامل آمریکا، اتحادیه اروپا و همچنین سابقه همکاری‌های سیاسی، نظامی و اطلاعاتی آذربایجان با اسرائیل؛ حاکمیت سکولار در نظام سیاسی دولت آذربایجان و اصطکاک ناشی از تشدید سیاست‌های ضد دینی و ضد شیعی با ایران؛ نقش برجسته در آلودگی محیط زیست خزر و موارد دیگری از این دست باعث می‌شود که آذربایجان و سیاست خارجی آن در قبال همسایگان خزری، منطقه‌ای و قدرت‌های جهانی، به امری قابل

تأمل و شایسته واکاوی دقیق تبدیل شود و این کشور را از حیث دلیل اتخاذ چنین سیاست‌های اغلب واگرایانه‌ای، در کانون توجه قرار بدهد.

در میان چالش‌های ذکرشده بسیاری بر این باورند که حوزه انرژی یکی از مهم‌ترین عوامل تشدیدکننده رقابت واگرایانه میان آذربایجان و همسایگانش بوده است که جواب منفی آن در پیوند با حضور فعالانه قدرت‌های خارجی، طنین بیشتری می‌گیرد. این کشور نظر به برخورداری از منابع غنی نفت و گاز و به دلیل قابلیت آن در معرفی خود به عنوان بدیلی برای نقش روسیه در تأمین نفت و گاز اروپا، در سیاست خارجی این اتحادیه و ایالات متحده اهمیت فزاینده‌ای پیدا کرده است و به همین دلیل، نقش کلیدی آن در تضمین امنیت انرژی غرب، موجب تلاش این قدرت‌ها برای حفظ روابط خود با آذربایجان می‌شود.

در این میان، سه‌گانه بین‌المللی و همچنین رفتار سیاست خارجی این کشور در موارد بسیاری، حاکی از نوعی واگرایی نسبت به ایران و گرایش به قدرت‌های فرامنطقه‌ای بوده است. به‌صورتی کلی‌تر، در طول بررسی رفتار خارجی این کشور و سیر روابط خارجی آن، نکته‌ای که به‌وضوح به چشم می‌آید، موازنه و واگرایانه رفتار خارجی جمهوری آذربایجان در قبال همسایگان خود به‌ویژه ایران، ترکمنستان و همچنین مقاومت ضمنی در برابر برخی فعالیت‌های روسیه است. مناسبات سیاسی، اقتصادی و امنیتی این کشور با همسایگان خود در سال‌های اخیر موضوع به‌نسبت نگران‌کننده تبدیل شده و از آنجایی که در ایران حساسیت‌ها نسبت به عملکرد و سیاست خارجی جمهوری آذربایجان، به‌ویژه در چند سال ابتدایی دهه ۱۳۹۰ افزایش یافت، بررسی منافع ملی و ابعاد گوناگون رابطه ایران و آذربایجان با تأکید بر فرصت‌ها و چالش‌های همگرایانه و واگرایانه در مناسبات میان این دو کشور و همچنین کاوش در پیامدهای آن به‌ویژه برای ایران، به ساختار تحقیق حاضر شکل می‌دهند.

رابطه ایران و آذربایجان رابطه‌ای آکنده از اشتراکات و اختلافاتی است که بخش عمده‌ای از آنان در ویژگی‌های تاریخی، فرهنگی، ژئوپلیتیکی و سیاسی آن دو ریشه دارد. در حالی که دلایل خوبی برای حفظ سطحی از مناسبات وجود دارد که تأکید بر آنان

می‌تواند به افزایش تعامل و همکاری میان این دو کشور خزری بینجامد، اما عوامل بیشتری نیز موجب تعارض و اختلاف میان دو کشور همسایه می‌شود. حتی برخی از ویژگی‌های هر یک از این دو کشور، قابلیت سوءاستفاده شدن علیه منافع ملی خود را دارد که در این میان، گاه مورد بهره‌برداری طرف مقابل نیز قرار گرفته است یا حداقل چنین اتهامی از طرف آن دو به یکدیگر وارد آمده است. به‌عنوان مثال ایران به‌عنوان موانع توسعه روابط خارجی با آذربایجان به دو دسته از عوامل ناشی از رفتار آذربایجان و همچنین مرتبط با عوامل خارجی، منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای اشاره می‌کند که در میان آنان می‌توان به تحریک جمعیت آذری-ایرانی و حمایت از گروه‌های جدایی‌طلب آذری نظیر برگزاری کنگره آذربایجانیان جهان، سرکوب گروه‌های مذهبی به‌ویژه محدود کردن شیعیان، اعمال سیاست‌های ضد مذهب در سطح جامعه به‌ویژه در مدارس و همچنین همکاری امنیتی - نظامی با ایالات متحده و اسرائیل اشاره کرد و در مقابل، آذربایجان نیز ایران را به ایجاد گروه‌های مذهبی متعقد، پخش پیام‌های تلویزیونی متعارض با سیاست‌های رسمی سکولار در قالب شبکه سحر، تشکیل گروه‌های تروریستی و جاسوسی در داخل آذربایجان و حمایت از ارمنستان که با آذربایجان در جنگ است و بخشی از خاک آن را اشغال کرده، متهم می‌کند.

روی‌هم‌رفته در رابطه با تعریف منافع ملی در هر کشور که در بخش‌هایی با منافع ملی همسایه خود همپوشانی و در بخش‌هایی دچار اختلاف و رقابت است باید به شماری از مهم‌ترین عواملی اشاره کرد که زمینه‌ساز تعارض در سیاستگذاری‌ها جهت نیل به اهداف ملی می‌شوند.

در رابطه با مهم‌ترین منافع ملی ایران در حوزه‌های امنیتی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی که به آذربایجان نیز ارتباط پیدا می‌کند می‌توان به‌عنوان مثال به اهمیت خروج قدرت‌های غیرمنطقه‌ای از خزر اشاره کرد که به‌سبب توسعه مناسبات نظامی - امنیتی آذربایجان با ایالات متحده، ناتو و اسرائیل، زمینه‌ساز نگرانی ایران شده است. حضور نیروهای متخاصم با ایران به‌عنوان تهدیدی امنیتی علیه منافع ملی این کشور از نقاط اختلاف میان دو همسایه خزری می‌باشد. همچنین در حوزه اقتصادی، بیشینه‌سازی

صادرات جهانی منابع هیدروکربن توسط ایران از اهداف اقتصادی این کشور است که به‌طور طبیعی به‌دلیل صادرکننده بودن آذربایجان در این حوزه، باعث افزایش رقابت نیز می‌شود. کسب جایگاه برتر در انتقال نفت و گاز به بازارهای جهانی به‌عنوان منافع ملی ایران، در عین مخالفت با برخی طرح‌های اقتصادی آذربایجان از جمله ساخت خط لوله ترنس کاسپین به‌معنای فشار ایران بر آذربایجان جهت حفاظت از منافع اقتصادی خود در زمینه انرژی می‌باشد تا ضمن جلوگیری از تضعیف هرچه بیشتر جایگاه خود در حوزه انرژی قدرت صادراتی انرژی آذربایجان به بازارهای شرق (چین و کره جنوبی) را مهار کند. هرچنین مباحث فرهنگی و علاقه ایران به توسعه مناسبات با شیعیان آذربایجان که امروزه نوعی رفتار پوزیسیون حکومت را بازی می‌کنند از دیگر منافع ایران است که به‌عنوان عامل اختلاف میان دو کشور به اتخاذ سیاست‌های متعارض در این زمینه منجر شده است. نفوذ در میان شیعیان آذری و تقویت جایگاه و موضع حکومت شیعه ایران در میان آنان و واکنش نسبت به بمب‌ر و سرکوب ایشان توسط دولت مرکزی آذربایجان جزو اصطکاکات دو کشور در سالیان اخیر بوده است. حفظ یکپارچگی ملی در عین تنوع فرهنگی و قومیتی در ایران نیز از مهم‌ترین منافع ملی این کشور است که به‌جهت اقدامات تحریک‌آمیز عناصر آذری و ادعاهای قومیتی علیه ایران (در کنار فعالیت‌های اشخاص و جریان‌های داخلی جدایی‌طلب)، با تهدید روبرو است.

در مقابل، منافع ملی آذربایجان نیز در برخی حوزه‌ها به‌خاطر اختلاف با ایران می‌شود. به‌عنوان مثال، استقلال از روسیه در حوزه سیاسی و انرژی یکی از مهم‌ترین اهداف نه‌تنها آذربایجان بلکه تمام کشورهای استقلال‌یافته از شوروی بوده است. در زمینه منافع اقتصادی، بهره‌مندی از منابع ارزشمند نفت و گاز و استفاده از عواید مالی حاصل از صادرات آنان، انگیزه مهمی برای دنبال کردن سیاست‌های اقتصادی فعالانه جهت سرعت دادن به روند توسعه آذربایجان بوده است. از سوی دیگر، بهره‌برداری حداکثری از ذخایر انرژی کشور با توسعه صادرات نفت و گاز به اروپا به‌عنوان عاملی برای تنوع‌دهی به بازارهای مصرف‌کننده منابع انرژی آذربایجان مطرح می‌شود. هم‌زمان، توجه غرب به آذربایجان به‌عنوان عاملی برای تضعیف جایگاه انحصاری خطوط لوله انتقال انرژی روسیه

به اروپا، موجب اهمیت یافتن این کشور در راهبرد انرژی اروپا و لزوم تقویت مناسبات با آن شده است. همچنین در حوزه امنیتی، تقویت بنیه نظامی این کشور با اتکاء به کشورهای غیرمنطقه ای به مثابه عامل حفاظت در برابر تهدیدات منطقه ای (مثلث روسیه، ایران و ارمنستان) به عنوان یکی از مهم ترین منافع ملی این کشور، از نقاط تنشزا در روابط آذربایجان و ایران بوده است. توسعه مناسبات سیاسی، امنیتی و اقتصادی با اسرائیل به عنوان یکی از بزرگترین مصرف کنندگان منابع انرژی آذربایجان نیز به دلیل نزدیک کردن این دو به همدیگر، به دلیل اختلافات عمیق و خصومت مستمر در روابط ایران و اسرائیل، تعارض منافع جدی با ایران به وجود می آورد.

در کل، مجموعه عوامل مذکور همراه با شمار دیگری از واقعیات سیاسی، امنیتی و اقتصادی، همگرایی میندیش را تحت تأثیر قرار داده و در واقع به دلیل تشدید رقابت و اختلافات، ابعاد واگرایانه، در مناسبات سیاسی، امنیتی، اقتصادی و فرهنگی را به وجه قالب روابط این دو کشور خنثی می کند.

هدف پژوهش حاضر، سیر در اشراکات و اختلافات در منافع ملی ایران و آذربایجان و تعیین چارچوبی جهت توضیح تشدید واکرایه، در روابط آن دو می باشد. چنین چارچوبی در صدد آن است که با استفاده از تحلیل فرصت ها و التهای رابطه دو کشور و پیامدهای آن، امکان تجزیه و تحلیل بهتر مناسبات و درک بهتر عوامل گوناگون، به ویژه منافع ملی را در سوگیری سیاستگذاری های هر یک از این دو کشور فراهم کند.

بخش اعظم تحقیقات در حوزه روابط ایران و آذربایجان با تأکید بر جنبه های سیاسی و سوگیری های امنیتی، مسیر مطالعات را به این حوزه می کشانند. در این پژوهش با عنایت به لازمه پرداختن جامع به تمام ابعاد مهم موضوع، سعی شد با نگاه جدیدی، در چارچوب وسیع تری به ابعاد سیاسی، امنیتی، اقتصادی و اجتماعی موضوع تحقیق پرداخته و از زوایای مختلفی به نقش و تأثیرگذاری آنان بر سیر روابط دو کشور ایران و آذربایجان توجه شود.

رجوع به منابع متنوع، معتبر و به روز از دیگر ویژگی های تحقیق پیش رو به منظور شناخت چشم انداز روابط دو کشور است و از یافته های آماری مراجع مختلف شامل

نهادهای داخلی و همچنین سازمان‌های بین‌المللی به‌منظور استناد کمی و تشریح دیدگاه نویسنده بهره گرفته می‌شود.

ساختار کتاب

اثر حاضر با طرح مسأله و توضیحاتی پیرامون اهمیت موضوع تحقیق و ضرورت پرداختن به آن آغاز می‌شود و ضمن بررسی سابقه مطالعاتی و تحقیقات داخلی و خارجی انجام‌شده در خصوص رابطه دو کشور، به طرح سؤال خود می‌پردازد و نکته‌ای که باید به‌منظور پاسخ به آن تحقیق شود را بیان می‌کند. با طرح مبنای فرضی این تحقیق، متغیرهایی تعیین و عملیاتی می‌شوند تا امکان سنجش و بررسی آنان فراهم شود و به‌موجب آن امکان سنجش صحت و اعتبار فرضیه مطرح‌شده فراهم شود. همچنین با تعریف مفاهیم کلیدی پژوهش شامل همگرایی، تعارض منافع و واگرایی، مسائل محوری که تحقیق حول آنان انجام می‌شود، تشریح خواهند شد.

در ادامه، به‌عنوان بخش اصلی این تحقیق، زمینه‌های همگرایی و واگرایی بین ایران و آذربایجان با تأکید بر اختلاف منافع و سیاستگذاری‌های متعارض مورد بررسی قرار می‌گیرد. در ابتدا فرصت‌های رابطه ایران و آذربایجان در دو حوزه سیاسی و اقتصادی تبیین می‌شود و سپس چالش‌های این دو کشور در - و محور مورد بررسی قرار می‌گیرد: چالش‌های رابطه متقابل بین این دو که در حوزه‌های سیاسی، امنیتی، اقتصادی، فرهنگی و محیط زیستی هستند و سپس چالش‌های ناشی از عوامل خارجی. ویژه مشکلات برآمده از رابطه سیاسی، نظامی - امنیتی و تجاری آذربایجان و اسرائیل. در پی پیامدهای این رابطه در حوزه‌های سیاسی، اقتصادی و امنیتی، در سنجش فرضیه مطرح‌شده به‌ویژه در رابطه با واگرایی، نقش مهمی ایفاء خواهد نمود.

در انتها ضمن جمع‌بندی مطلب با استفاده از یافته‌ها و بررسی آنان، تحلیل نهایی در زمینه رابطه ایران و آذربایجان در پرتو سیاستگذاری‌های همگرایانه و واگرایانه و تضادهای موجود ارائه می‌شود.